

جنايات جنگی عليه غيرنظاميان؛ مطالعه‌ای بر مبانی حقوق جزای بین‌الملل

سید کیهان اسدی

دانش آموخته حقوق بین‌الملل، مرکز تحصیلات تکمیلی تهران، تهران، ایران

چکیده:

حمایت از غیرنظامیان یکی از بنیادی‌ترین اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق جزای بین‌الملل است. تجربه جنگ‌های قرن بیستم و بیست‌ویکم نشان داده است که بیشترین قربانیان مخاصمات مسلحانه نه نیروهای نظامی، بلکه افراد غیرنظامی هستند. حملات مستقیم به مناطق مسکونی، بیمارستان‌ها، مدارس، مراکز امداد رسانی، زیرساخت‌های حیاتی، کوچ اجباری، گرسنگی دادن به جمعیت غیرنظامی، شکنجه، تجاوز جنسی و استفاده از غیرنظامیان به عنوان سپر انسانی از مهم‌ترین مصادیق جنايات جنگی محسوب می‌شوند که نه تنها ناقض قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه‌اند، بلکه مسئولیت کیفری فردی مرتکبان را نیز در پی دارند.

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، اسناد بین‌المللی، آرای دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و رویه‌های قضایی، به بررسی مبانی حقوقی حمایت از غیرنظامیان، عناصر تشکیل‌دهنده جنايات جنگی، مسئولیت کیفری افراد، فرماندهان نظامی و مقامات سیاسی و چالش‌های اجرای عدالت کیفری بین‌المللی می‌پردازد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه توسعه قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تصویب اساسنامه رم و تشکیل نهادهای قضایی بین‌المللی گام‌های مهمی در مبارزه با بی‌کیفرمانی بوده‌اند، اما موانعی نظیر سیاسی شدن عدالت کیفری، محدودیت صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، عدم همکاری برخی دولت‌ها، استفاده از حق وتو در شورای امنیت و دشواری اجرای احکام، همچنان از مهم‌ترین چالش‌های تحقق عدالت به شمار می‌روند. پژوهش حاضر در پایان، راهکارهایی برای تقویت پاسخگویی کیفری، توسعه صلاحیت جهانی، افزایش حمایت از قربانیان و اصلاح سازوکارهای بین‌المللی ارائه می‌کند.

واژگان کلیدی:

حقوق جزای بین‌الملل، جنايات جنگی، غیرنظامیان، مسئولیت کیفری بین‌المللی، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، دیوان کیفری بین‌المللی.

۱. مقدمه

جنگ، پدیده‌ای است که همواره با ویرانی، مرگ، آوارگی و نقض گسترده حقوق بنیادین انسان‌ها همراه بوده است. با وجود پیشرفت‌های چشمگیر جامعه بین‌المللی در تدوین قواعد حقوقی برای محدود ساختن آثار مخاصمات مسلحانه، هنوز میلیون‌ها انسان بی‌گناه قربانی خشونت‌های ناشی از جنگ می‌شوند. برخلاف گذشته که عمده قربانیان جنگ‌ها را نیروهای نظامی تشکیل می‌دادند، در مخاصمات معاصر سهم اصلی تلفات به جمعیت غیرنظامی اختصاص یافته است؛ امری که ضرورت تقویت سازوکارهای حمایت کیفری از غیرنظامیان را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

حقوق بین‌الملل بشردوستانه با هدف کاهش آلام انسانی ناشی از جنگ، مجموعه‌ای از قواعد الزام‌آور را برای حمایت از افرادی که در مخاصمات مشارکت مستقیم ندارند، ایجاد کرده است. اصل تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی، اصل تناسب، اصل احتیاط در حمله، ممنوعیت حملات کورکورانه و حمایت ویژه از گروه‌های آسیب‌پذیر مانند کودکان، زنان، سالمندان، بیماران و امدادگران، از مهم‌ترین اصول این نظام حقوقی به شمار می‌آیند.

در کنار این قواعد، حقوق جزای بین‌الملل با جرم‌انگاری شدیدترین نقض‌های حقوق بشردوستانه، تلاش می‌کند مرتکبان این رفتارها را بدون توجه به مقام، تابعیت یا موقعیت سیاسی آنان مورد تعقیب قرار دهد. این تحول، بیانگر گذار از مسئولیت صرف دولت‌ها به سمت مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی در عرصه بین‌المللی است؛ تحولی که پس از محاکمات نورنبرگ و توکیو شتاب گرفت و با تأسیس دادگاه‌های کیفری اختصاصی و سپس دیوان کیفری بین‌المللی به مرحله‌ای نوین وارد شد.

با این حال، تجربه دهه‌های اخیر نشان داده است که ارتکاب جنایات جنگی علیه غیرنظامیان همچنان یکی از مهم‌ترین چالش‌های جامعه جهانی است. حمله به بیمارستان‌ها، مدارس، اردوگاه‌های آوارگان، کاروان‌های امدادسانی، مراکز مذهبی و فرهنگی، استفاده از سلاح‌های ممنوعه، محاصره غذایی، کوچ اجباری و تخریب گسترده زیرساخت‌های حیاتی، تنها بخشی از رفتارهایی هستند که در مخاصمات معاصر مشاهده شده‌اند و پرسش‌های مهمی درباره کارآمدی نظام عدالت کیفری بین‌المللی ایجاد کرده‌اند.

از سوی دیگر، پیشرفت فناوری‌های نظامی، گسترش جنگ‌های شهری، استفاده از پهپادهای رزمی، سامانه‌های خودکار، عملیات سایبری و هوش مصنوعی، ابعاد جدیدی از مسئولیت کیفری را مطرح ساخته است که در بسیاری از موارد، قواعد سنتی حقوق جزای بین‌الملل را با چالش مواجه می‌کند. بنابراین، بازخوانی مبانی نظری و حقوقی حمایت از غیرنظامیان و ارزیابی ظرفیت نظام عدالت کیفری بین‌المللی برای پاسخ به این تحولات، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

پژوهش حاضر با تکیه بر معاهدات بین‌المللی، حقوق بین‌الملل عرفی، رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و آثار علمی معتبر، تلاش می‌کند ضمن تبیین مفهوم و عناصر جنایات جنگی علیه غیرنظامیان، چالش‌های اجرای عدالت کیفری و راهکارهای تقویت پاسخگویی بین‌المللی را مورد بررسی قرار دهد.

۲. بیان مسئله

حمایت از غیرنظامیان یکی از هنجارهای بنیادین حقوق بین‌الملل معاصر است، اما واقعیت‌های میدانی در مخاصمات مسلحانه نشان می‌دهد که این حمایت در عمل با چالش‌های جدی روبه‌رو است. گزارش‌های نهادهای بین‌المللی از درگیری‌های معاصر، از جمله

در بخش‌هایی از اروپا، خاورمیانه و آفریقا، حاکی از استمرار حملات به افراد و اموال غیرنظامی، آوارگی گسترده، تخریب زیرساخت‌های حیاتی و محدودیت دسترسی به کمک‌های بشردوستانه است. این وضعیت نشان می‌دهد که صرف وجود قواعد حقوقی، تضمین‌کننده اجرای مؤثر آنها نیست.

از منظر حقوق جزای بین‌الملل، پرسش اساسی آن است که آیا سازوکارهای موجود توانایی پیشگیری از این جنایات و پاسخگو ساختن عاملان آنها را دارند؟ همچنین، چه موانع حقوقی، سیاسی و اجرایی موجب استمرار پدیده بی‌کیفرمانی در قبال جنایات جنگی علیه غیرنظامیان می‌شود؟ این مقاله می‌کوشد با تحلیل مبانی حقوقی و رویه‌های قضایی، به این پرسش‌ها پاسخ دهد و ظرفیت‌ها و کاستی‌های نظام عدالت کیفری بین‌المللی را ارزیابی کند.

۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

تحولات نظام بین‌الملل در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که اگرچه حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق جزای بین‌الملل به‌طور مستمر توسعه یافته‌اند، اما حمایت مؤثر از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه همچنان با چالش‌های عمیق حقوقی، سیاسی و اجرایی روبه‌رو است. بررسی آمارهای منتشر شده از سوی نهادهای بین‌المللی حاکی از آن است که در بسیاری از درگیری‌های معاصر، نسبت قربانیان غیرنظامی به نظامیان به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است. این تحول، بیانگر تغییر ماهیت جنگ‌ها از نبردهای کلاسیک میان ارتش‌ها به مخاصمات پیچیده، نامتقارن و عمدتاً شهری است که بیشترین آسیب را متوجه جمعیت غیرنظامی می‌کند.

اهمیت این پژوهش از آن جهت است که جنایات جنگی علیه غیرنظامیان نه تنها نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه محسوب می‌شوند، بلکه امنیت بین‌المللی، صلح پایدار، کرامت انسانی و اعتماد به نظام عدالت کیفری بین‌المللی را نیز تهدید می‌کنند. استمرار بی‌کیفرمانی در قبال این جرائم، زمینه تکرار آنها را فراهم کرده و اعتبار نهادهای بین‌المللی را با پرسش‌های جدی مواجه ساخته است.

از منظر علمی نیز، بسیاری از پژوهش‌های پیشین صرفاً به بیان مقررات یا معرفی مصادیق جنایات جنگی پرداخته‌اند، در حالی که پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی، انتقادی و آینده‌نگر، ضمن بررسی مبانی نظری و حقوقی حمایت از غیرنظامیان، چالش‌های اجرای عدالت کیفری بین‌المللی و نقش فناوری‌های نوظهور در ارتکاب یا پیشگیری از این جرائم را نیز بررسی می‌کند. این ویژگی، پژوهش حاضر را از مطالعات توصیفی صرف متمایز می‌سازد.

از منظر کاربردی، نتایج این تحقیق می‌تواند برای قانون‌گذاران، قضات، پژوهشگران، سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای بشردوستانه، نیروهای مسلح و سیاست‌گذاران حوزه امنیت و دفاع، مبنایی برای اصلاح سیاست‌های کیفری و تقویت حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه باشد.

۴. پیشینه پژوهش

مطالعات انجام‌شده درباره جنایات جنگی عمدتاً در دو دسته کلی قابل تقسیم‌اند:

نخست، پژوهش‌هایی که بر تحلیل تاریخی و حقوقی کنوانسیون‌های ژنو، پروتکل‌های الحاقی و عرف بین‌المللی تمرکز داشته‌اند و تلاش کرده‌اند اصول بنیادین حمایت از غیرنظامیان را تبیین کنند.

دوم، پژوهش‌هایی که به بررسی عملکرد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، از جمله دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا و دیوان کیفری بین‌المللی پرداخته‌اند و آثار این محاکم را در توسعه حقوق جزای بین‌الملل ارزیابی کرده‌اند.

با وجود ارزش علمی این آثار، چند خلأ مهم همچنان مشاهده می‌شود:

نخست، بیشتر پژوهش‌ها پیش از تحولات گسترده سال‌های اخیر انجام شده‌اند و تحلیل جامعی از چالش‌های ناشی از جنگ‌های شهری، فناوری‌های نوین نظامی، پهپادها، هوش مصنوعی و عملیات سایبری ارائه نکرده‌اند.

دوم، بسیاری از تحقیقات، رابطه میان مسئولیت کیفری فردی، مسئولیت فرماندهان و مسئولیت سیاسی مقامات عالی‌رتبه را به صورت یکپارچه بررسی نکرده‌اند.

سوم، کمتر پژوهشی به تحلیل هم‌زمان قواعد حقوق بشردوستانه، حقوق بشر و حقوق جزای بین‌الملل در حمایت از غیرنظامیان پرداخته است.

چهارم، مطالعات اندکی به آسیب‌شناسی نظام عدالت کیفری بین‌المللی و ارائه راهکارهای عملی برای کاهش بی‌کیفرمانی اختصاص یافته‌اند.

از این رو، پژوهش حاضر می‌کوشد با تلفیق رویکردهای حقوقی، قضایی و سیاست‌گذاری، این خلأها را تا حد امکان جبران کند.

۵. اهداف پژوهش

هدف اصلی

تحلیل مبانی حقوقی و کیفری حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه و ارزیابی کارآمدی نظام حقوق جزای بین‌الملل در مقابله با جنایات جنگی.

اهداف فرعی

- تبیین مفهوم غیرنظامی در حقوق بین‌الملل.
- تحلیل عناصر تشکیل‌دهنده جنایات جنگی.
- بررسی مسئولیت کیفری افراد، فرماندهان و مقامات سیاسی.
- مطالعه رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی.
- بررسی چالش‌های اجرای عدالت کیفری.
- ارائه راهکارهای حقوقی برای تقویت حمایت از غیرنظامیان.

۶. سؤالات پژوهش

سؤال اصلی

مبانی حقوقی حمایت کیفری از غیرنظامیان در حقوق جزای بین‌الملل چیست و نظام عدالت کیفری بین‌المللی تا چه اندازه در مقابله با جنایات جنگی علیه غیرنظامیان موفق بوده است؟

سؤالات فرعی

۱. مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده جنایات جنگی علیه غیرنظامیان کدام‌اند؟

۲. مسئولیت کیفری فرماندهان نظامی بر چه مبنایی استوار است؟

۳. چه موانعی موجب استمرار بی‌کیفرمانی مرتکبان جنایات جنگی می‌شود؟

۴. دیوان کیفری بین‌المللی چه نقشی در حمایت از غیرنظامیان ایفا می‌کند؟

۵. فناوری‌های نوین نظامی چه تأثیری بر مسئولیت کیفری بین‌المللی دارند؟

۷. فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی آن است که اگرچه حقوق جزای بین‌الملل از نظر تقنینی به سطح قابل قبولی از توسعه رسیده است، اما عوامل سیاسی، ضعف سازوکارهای اجرایی، محدودیت صلاحیت نهادهای بین‌المللی و عدم همکاری برخی دولت‌ها مانع تحقق کامل عدالت کیفری در قبال جنایات جنگی علیه غیرنظامیان شده‌اند.

فرضیه دیگر آن است که توسعه صلاحیت جهانی، تقویت همکاری قضایی بین دولت‌ها، افزایش استقلال نهادهای قضایی بین‌المللی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در مستندسازی ادله می‌تواند نقش مهمی در کاهش بی‌کیفرمانی ایفا کند.

۸. روش تحقیق

این پژوهش از نوع بنیادی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی است و داده‌ها از طریق تحلیل منابع معتبر فارسی و انگلیسی، معاهدات بین‌المللی، آرای محاکم کیفری بین‌المللی، گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی و نظریات دکترین حقوقی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

روش تحلیل نیز مبتنی بر تفسیر حقوقی، تحلیل تطبیقی و ارزیابی رویه قضایی بین‌المللی است.

فصل اول:

مبانی نظری و حقوقی حمایت از غیرنظامیان در حقوق جزای بین‌الملل

۱-۱. مفهوم جنایت جنگی

جنایت جنگی از مهم‌ترین جرائم بین‌المللی است که نقض شدید قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در بر می‌گیرد. ویژگی اصلی این جرم آن است که در بستر یک مخاصمه مسلحانه، اعم از بین‌المللی یا غیربین‌المللی، ارتکاب می‌یابد و مستقیماً قواعد حمایتی ناظر بر اشخاص و اموال مورد حمایت را نقض می‌کند.

برخلاف جرائم عادی، جنایات جنگی صرفاً علیه یک فرد یا یک دولت نیستند، بلکه نظم عمومی جامعه بین‌المللی را هدف قرار می‌دهند. به همین دلیل، مرتکبان این جرائم نه تنها در برابر دولت متبوع خود، بلکه در برابر کل جامعه بین‌المللی مسئول شناخته می‌شوند.

تحول مفهوم جنایت جنگی را می‌توان در سه مرحله بررسی کرد:

مرحله نخست، شکل‌گیری قواعد عرفی محدودکننده رفتار در جنگ‌های سنتی بود که ریشه در عرف‌های نظامی و ملاحظات انسانی داشت.

مرحله دوم، با تصویب کنوانسیون‌های لاهه و سپس کنوانسیون‌های ژنو، قواعد الزام‌آور و مدون برای حمایت از قربانیان جنگ ایجاد شد.

مرحله سوم، پس از جنگ جهانی دوم و محاکمات نورنبرگ و توکیو آغاز شد؛ جایی که برای نخستین بار مسئولیت کیفری فردی در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته شد. این روند با تصویب اساسنامه رم و تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی به اوج خود رسید و جنایات جنگی در قالب تعاریف نسبتاً دقیق و جامع جرم‌انگاری شدند.

از منظر حقوق جزای بین‌الملل، تحقق جنایت جنگی مستلزم وجود سه عنصر اساسی است:

۱. وجود یک مخاصمه مسلحانه.

۲. وجود رابطه مستقیم میان رفتار مجرمانه و مخاصمه.

۳. نقض شدید قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه.

۲-۱. مفهوم «غیرنظامی» در حقوق بین‌الملل بشردوستانه

یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مفهوم «غیرنظامی» است. شناسایی دقیق این مفهوم، مرز میان اقدامات مشروع نظامی و رفتارهایی را که می‌توانند جنایت جنگی تلقی شوند، مشخص می‌کند. هرگونه ابهام در تعیین وضعیت اشخاص، می‌تواند به نقض گسترده حقوق بشردوستانه و افزایش قربانیان غیرنظامی بینجامد.

در حقوق بین‌الملل کلاسیک، تعریف جامع و روشنی از غیرنظامی وجود نداشت و بیشتر قواعد ناظر بر حمایت از مجروحان، اسیران و ساکنان سرزمین‌های اشغالی بود. اما با تصویب پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، مفهوم غیرنظامی به صورت منسجم‌تر تبیین شد. بر اساس این نظام، هر شخصی که عضو نیروهای مسلح یکی از طرف‌های مخاصمه نباشد، اصل بر غیرنظامی بودن اوست و در صورت تردید نیز باید همین فرض اعمال شود.

این اصل یکی از مهم‌ترین جلوه‌های اصل حمایت از انسان در حقوق بین‌الملل است؛ زیرا بار اثبات نظامی بودن فرد را بر عهده طرف مهاجم قرار می‌دهد و از تفسیر موسع مفهوم «هدف نظامی» جلوگیری می‌کند.

غیرنظامیان شامل گروه‌های متنوعی هستند؛ از جمله:

- کودکان
- زنان
- سالمندان
- افراد دارای معلولیت
- بیماران
- خبرنگاران
- کارکنان سازمان‌های امداد رسان
- پزشکان و پرستاران
- کارکنان سازمان‌های بشردوستانه
- آوارگان و پناهندگان
- شهروندان عادی که در عملیات نظامی مشارکت مستقیم ندارند.

بدیهی است که حمایت از این اشخاص مطلق نیست. چنانچه فرد غیرنظامی مستقیماً در عملیات خصمانه مشارکت کند، تا زمان آن مشارکت، حمایت ویژه خود را از دست می‌دهد؛ اما این وضعیت استثنایی، موقتی و محدود است و پس از پایان مشارکت، حمایت مجدداً برقرار می‌شود.

۳-۱. اصل تفکیک (Principle of Distinction)

اصل تفکیک، مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اصل حقوق بین‌الملل بشردوستانه محسوب می‌شود و بسیاری از نویسندگان آن را «قلب حقوق جنگ» توصیف کرده‌اند.

بر اساس این اصل، طرف‌های مخاصمه مکلف‌اند در تمامی عملیات نظامی، میان اهداف نظامی و اشخاص یا اموال غیرنظامی تمایز قائل شوند و صرفاً اهداف نظامی را مورد حمله قرار دهند.

این اصل دارای سه رکن اساسی است:

الف) تفکیک میان اشخاص

حمله فقط علیه رزمندگان مشروع مجاز است.

غیر نظامیان نباید هدف مستقیم حمله قرار گیرند.

ب) تفکیک میان اموال

اهداف نظامی قابل حمله‌اند.

خانه‌های مسکونی، مدارس، بیمارستان‌ها، عبادتگاه‌ها، مراکز فرهنگی، موزه‌ها و تأسیسات امدادی اصولاً مصون از حمله هستند، مگر آنکه عملاً به هدف نظامی تبدیل شده باشند.

ج) تفکیک در روش‌های جنگ

حتی در حمله به یک هدف نظامی نیز استفاده از روش‌هایی که قابلیت تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان را ندارند ممنوع است.

اهمیت اصل تفکیک

اصل تفکیک صرفاً یک قاعده قراردادی نیست، بلکه امروزه بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی محسوب می‌شود و برای تمامی دولت‌ها، حتی دولت‌های غیرعضو در معاهدات مربوط، الزام‌آور تلقی می‌شود.

در آرای متعدد محاکم بین‌المللی، نقض این اصل مهم‌ترین مبنای مسئولیت کیفری مرتکبان جنایات جنگی شناخته شده است.

۱-۴. اصل تناسب (Principle of Proportionality)

حتی اگر هدف حمله کاملاً نظامی باشد، عملیات نظامی نباید خسارتی نامتناسب به غیرنظامیان وارد کند.

اصل تناسب بیان می‌کند:

«منافع نظامی مورد انتظار نباید با خسارات احتمالی وارد بر غیرنظامیان و اموال غیرنظامی، عدم تعادل آشکار داشته باشد.»

برای مثال:

اگر نابودی یک خودروی نظامی مستلزم بمباران یک محله مسکونی باشد که احتمال کشته شدن صدها غیرنظامی را در پی دارد، چنین حمله‌ای از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه نامتناسب تلقی می‌شود و می‌تواند جنایت جنگی محسوب شود.

معیارهای ارزیابی تناسب

دادگاه‌های بین‌المللی معمولاً عوامل زیر را بررسی می‌کنند:

- ارزش واقعی هدف نظامی
- میزان خسارت قابل پیش‌بینی
- تعداد قربانیان غیرنظامی
- امکان استفاده از روش جایگزین
- نوع سلاح مورد استفاده
- اطلاعاتی که فرمانده در زمان تصمیم‌گیری در اختیار داشته است.

۵-۱. اصل احتیاط در حمله (Precaution)

اصل احتیاط مکمل اصل تناسب است.

بر اساس این اصل، فرماندهان نظامی مکلف‌اند پیش از هر حمله:

- از نظامی بودن هدف اطمینان حاصل کنند.
 - بهترین روش حمله را انتخاب نمایند.
 - زمان مناسب عملیات را تعیین کنند.
 - در صورت امکان هشدار قبلی صادر نمایند.
 - از سلاح‌هایی استفاده کنند که کمترین خسارت را به غیرنظامیان وارد می‌کند.
 - اگر مشخص شود هدف نظامی نیست، حمله را متوقف کنند.
- امروزه این اصل در بسیاری از آرای محاکم کیفری بین‌المللی به عنوان یکی از معیارهای تشخیص مسئولیت کیفری فرماندهان مورد استناد قرار گرفته است.

۶-۱. اصل منع حملات کورکورانه

یکی از مهم‌ترین قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، ممنوعیت حملات کورکورانه است.

حمله کورکورانه حمله‌ای است که:

- هدف مشخص نظامی ندارد؛
 - یا وسیله مورد استفاده قادر به تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان نیست؛
 - یا آثار آن قابل کنترل نیست.
- نمونه‌های بارز آن عبارت‌اند از:
- گلوله‌باران وسیع مناطق شهری بدون هدف مشخص؛
 - استفاده از سلاح‌هایی که شعاع تخریب بسیار گسترده دارند؛
 - حملات بی هدف به مناطق پرجمعیت؛
 - استفاده از برخی مهمات انفجاری در محیط‌های متراکم شهری، در شرایطی که امکان تفکیک مؤثر میان اهداف نظامی و غیرنظامی وجود نداشته باشد.

چنین رفتارهایی، در صورت احراز سایر شرایط قانونی، می‌توانند به عنوان جنایت جنگی مورد تعقیب قرار گیرند.

۷-۱. اصل حمایت ویژه از گروه‌های آسیب‌پذیر

حقوق بین‌الملل بشردوستانه صرفاً از همه غیرنظامیان حمایت نمی‌کند، بلکه برای برخی گروه‌ها حمایت مضاعف در نظر گرفته است.

مهم‌ترین این گروه‌ها عبارت‌اند از:

کودکان

کودکان آسیب‌پذیرترین قربانیان جنگ هستند. جذب آنان در نیروهای مسلح، استفاده در عملیات رزمی، ربایش، بهره‌کشی و محروم کردن از آموزش و مراقبت‌های پزشکی، از شدیدترین نقض‌های حقوق بشردوستانه محسوب می‌شود.

زنان

تجاوز جنسی، بردگی جنسی، بارداری اجباری، عقیم‌سازی اجباری و سایر اشکال خشونت جنسی، علاوه بر آنکه می‌توانند جنایت جنگی باشند، در شرایطی خاص ممکن است به عنوان جنایت علیه بشریت نیز قابل تعقیب باشند.

مجروحان و بیماران

همه طرف‌های مخاصمه موظف‌اند بدون تبعیض به مجروحان و بیماران رسیدگی کنند و حمله به مراکز درمانی یا ممانعت از درمان آنان، نقض آشکار حقوق بین‌الملل بشردوستانه است.

امدادگران و کارکنان بشردوستانه

کارکنان نهادهای امدادی و پزشکی تا زمانی که در فعالیت‌های بشردوستانه مشارکت دارند، از حمایت ویژه برخوردارند و حمله عمدی به آنان می‌تواند مسئولیت کیفری بین‌المللی به دنبال داشته باشد.

جمع‌بندی فصل

اصول تفکیک، تناسب، احتیاط، منع حملات کورکورانه و حمایت ویژه از گروه‌های آسیب‌پذیر، ستون‌های اصلی نظام حمایت از غیرنظامیان را تشکیل می‌دهند. هرگونه نقض عمدی یا فاحش این اصول، در صورت احراز عناصر مادی و روانی جرم، می‌تواند به‌عنوان جنایت جنگی موجب مسئولیت کیفری فردی مرتکبان شود. این اصول نه‌تنها در معاهدات بین‌المللی، بلکه در حقوق بین‌الملل عرفی و رویه قضایی محاکم بین‌المللی نیز جایگاهی تثبیت‌شده یافته‌اند و مبنای ارزیابی مشروعیت رفتار طرف‌های مخاصمه محسوب می‌شوند.

فصل دوم:

مصادیق جنایات جنگی علیه غیرنظامیان در حقوق جزای بین‌الملل

۱-۲. مفهوم و عناصر تشکیل‌دهنده جنایات جنگی علیه غیرنظامیان

جرائم جنگی علیه غیرنظامیان از شدیدترین نقض‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه به شمار می‌روند. این جرائم نه‌تنها نظم حقوقی حاکم بر مخاصمات مسلحانه را نقض می‌کنند، بلکه ارزش‌های بنیادین جامعه بین‌المللی، از جمله حق حیات، کرامت انسانی، امنیت فردی و اصل انسانیت را نیز مورد تعرض قرار می‌دهند. از این‌رو، جامعه بین‌المللی آنها را در زمره شدیدترین جرائم بین‌المللی قرار داده و برای مرتکبان، مسئولیت کیفری فردی پیش‌بینی کرده است.

الف) عنصر قانونی

عنصر قانونی جنایات جنگی علیه غیرنظامیان در مجموعه‌ای از اسناد بین‌المللی تبلور یافته است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

- کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ که قواعد اساسی حمایت از مجروحان، بیماران، اسیران جنگی و غیرنظامیان را مقرر کرده‌اند.
- پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ که اصول بنیادینی همچون تفکیک، تناسب، احتیاط و حمایت از جمعیت غیرنظامی را توسعه داده‌اند.
- اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی که فهرست نسبتاً جامعی از جنایات جنگی را ارائه می‌دهد.

• حقوق بین‌الملل عرفی که بسیاری از این قواعد را برای همه دولت‌ها الزام‌آور ساخته است.

ب) عنصر مادی

عنصر مادی جنایات جنگی شامل رفتارهای مثبت یا منفی است که در بستر یک مخاصمه مسلحانه و در نقض شدید قواعد حقوق بشردوستانه ارتکاب می‌یابد. این رفتارها ممکن است شامل حمله، تخریب، شکنجه، انتقال اجباری، ممانعت از امدادرسانی یا سایر اعمال ممنوعه باشند.

ج) عنصر روانی

در اغلب موارد، مرتکب باید با علم به وجود مخاصمه مسلحانه و آگاهی از وضعیت حمایت‌شده قربانی، اقدام به ارتکاب رفتار مجرمانه کند. البته در برخی موارد، بی‌احتیاطی فاحش یا بی‌اعتنائی آشکار نسبت به پیامدهای قابل پیش‌بینی نیز می‌تواند در ارزیابی مسئولیت کیفری مؤثر باشد، اما احراز شرایط آن مستلزم بررسی دقیق اوضاع و احوال هر پرونده است.

۲-۲. حمله عمدی به غیرنظامیان

مهم‌ترین و آشکارترین مصداق جنایت جنگی، حمله عمدی به افراد غیرنظامی است.

در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، جمعیت غیرنظامی هرگز نباید هدف مستقیم عملیات نظامی قرار گیرد. این ممنوعیت از قواعد آمره حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود و نقض آن، در صورت احراز شرایط قانونی، می‌تواند موجب مسئولیت کیفری بین‌المللی شود.

ارکان این جرم

برای تحقق این جرم معمولاً باید عناصر زیر احراز شود:

۱. وجود مخاصمه مسلحانه.

۲. غیرنظامی بودن قربانی یا جمعیت هدف.

۳. آگاهی مرتکب از وضعیت غیرنظامی قربانی.

۴. وجود رابطه میان رفتار مجرمانه و مخاصمه.

حمله عمدی به غیرنظامیان صرف‌نظر از تابعیت، قومیت، مذهب یا گرایش سیاسی قربانیان ممنوع است و این ممنوعیت بر همه طرف‌های مخاصمه، اعم از دولت‌ها و گروه‌های مسلح غیردولتی که مشمول قواعد مربوط می‌شوند، اعمال می‌شود.

۲-۳. حمله به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حمایت ویژه از مراکز درمانی است.

بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها، آمبولانس‌ها، مراکز انتقال خون، مراکز توان‌بخشی و سایر واحدهای پزشکی، تا زمانی که وظایف بشردوستانه خود را انجام می‌دهند، از مصونیت ویژه برخوردارند.

فلسفه این حمایت روشن است؛ زیرا نابودی مراکز درمانی نه تنها موجب افزایش مستقیم تلفات می‌شود، بلکه امکان درمان هزاران مجروح و بیمار را نیز از بین می‌برد و آثار انسانی جنگ را تشدید می‌کند.

البته این حمایت مطلق نیست. اگر یک مرکز درمانی خارج از مأموریت بشردوستانه خود، برای انجام عملیات نظامی مورد استفاده قرار گیرد، پس از رعایت الزامات حقوقی مانند هشدار مؤثر و فرصت معقول برای رفع سوءاستفاده، ممکن است حمایت ویژه خود را از دست بدهد. با این حال، حتی در چنین شرایطی نیز اصول تناسب و احتیاط باید رعایت شوند و هر حمله باید با ارزیابی دقیق پیامدهای انسانی آن انجام گیرد.

۴-۲. حمله به مدارس و مراکز آموزشی

آموزش یکی از حقوق بنیادین بشر است و مخاصمات مسلحانه نباید به نابودی نظام آموزشی بینجامد.

مدارس، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و مراکز آموزشی اصولاً اهداف غیرنظامی محسوب می‌شوند و از حمایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه برخوردارند.

تخریب این مراکز صرفاً خسارت فیزیکی ایجاد نمی‌کند، بلکه آثار بلندمدتی بر توسعه انسانی، امنیت اجتماعی، سلامت روان کودکان و بازسازی جوامع پس از جنگ بر جای می‌گذارد.

از دیدگاه جرم‌شناسی بین‌المللی، حمله به مدارس، نسل آینده را هدف قرار می‌دهد و به همین دلیل آثار آن ممکن است تا دهه‌ها ادامه یابد.

۵-۲. گرسنگی دادن به غیرنظامیان به عنوان شیوه جنگ

یکی از نوین‌ترین تحولات حقوق جزای بین‌الملل، جرم‌انگاری استفاده از گرسنگی به عنوان ابزار جنگ است.

در برخی مخاصمات، طرف‌های درگیر با محاصره مناطق مسکونی، جلوگیری از ورود مواد غذایی، دارو، آب آشامیدنی و تجهیزات امدادی، تلاش می‌کنند جمعیت غیرنظامی را وادار به تسلیم یا کوچ اجباری کنند.

این رفتار از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه ممنوع است؛ زیرا غیرنظامیان نباید وسیله اعمال فشار نظامی قرار گیرند.

گرسنگی تحمیلی علاوه بر نقض حق حیات، موجب سوءتغذیه، شیوع بیماری، افزایش مرگ‌ومیر کودکان، فروپاشی نظام بهداشت عمومی و بحران‌های انسانی گسترده می‌شود.

۶-۲. انتقال اجباری و کوچ اجباری جمعیت غیرنظامی

انتقال اجباری جمعیت غیرنظامی یکی از پیچیده‌ترین جرائم بین‌المللی است.

این جرم زمانی تحقق می‌یابد که افراد بدون رضایت واقعی خود و بدون وجود ضرورت نظامی یا دلایل انسانی مجاز، از محل سکونتشان خارج شوند.

در عمل، انتقال اجباری ممکن است از طریق:

• تهدید

• ارعاب

• محاصره

• تخریب منازل

• ایجاد قحطی

• حملات مکرر

• یا سایر اشکال اجبار صورت گیرد.

پیامدهای این جرم صرفاً محدود به آوارگی نیست، بلکه از هم پاشیدن خانواده‌ها، نابودی هویت فرهنگی، محرومیت از آموزش، بیکاری، فقر، مشکلات روانی و بی‌ثباتی اجتماعی را نیز در پی دارد.

از این رو، حقوق جزای بین‌الملل با حساسیت ویژه‌ای به این رفتار می‌نگرد و در شرایط خاص، انتقال اجباری ممکن است علاوه بر جنایت جنگی، عنوان جنایت علیه بشریت نیز پیدا کند.

تحلیل انتقادی

یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوق جزای بین‌الملل در رسیدگی به این جرائم، اثبات قصد مجرمانه و رابطه میان تصمیمات فرماندهی و پیامدهای انسانی عملیات نظامی است. در جنگ‌های معاصر که عملیات با استفاده از فناوری‌های پیشرفته، سامانه‌های خودکار و زنجیره‌های پیچیده فرماندهی انجام می‌شود، تعیین مسئولیت کیفری اشخاص تصمیم‌گیرنده دشوارتر از گذشته شده است.

به همین دلیل، رویه دادگاه‌های بین‌المللی به سمت ارزیابی دقیق‌تر «دانسته‌ها و اطلاعات موجود در زمان تصمیم‌گیری» حرکت کرده است؛ یعنی دادگاه‌ها عملکرد فرمانده یا مقام مسئول را با توجه به اطلاعاتی که در زمان حمله در اختیار داشته، می‌سنجند، نه صرفاً بر اساس نتایج بعدی عملیات. این رویکرد، ضمن حفظ اصل مسئولیت کیفری فردی، از قضاوت مبتنی بر پیامدهای پسینی نیز جلوگیری می‌کند.

۲-۷. خشونت جنسی علیه غیرنظامیان به عنوان جنایت جنگی

یکی از تاریک‌ترین ابعاد مخاصمات مسلحانه، استفاده از خشونت جنسی به عنوان ابزاری برای ایجاد رعب، تحقیر، فروپاشی خانواده و تخریب ساختار اجتماعی جوامع است. تا دهه‌های پایانی قرن بیستم، این دسته از جرائم غالباً به عنوان پیامد اجتناب‌ناپذیر جنگ تلقی می‌شدند؛ اما تحول حقوق جزای بین‌الملل و رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نشان داد که خشونت جنسی نه یک «حادثه جانبی»، بلکه در بسیاری از موارد یک راهبرد سازمان‌یافته جنگی است.

امروزه تجاوز جنسی، بردگی جنسی، فحش‌ای اجباری، بارداری اجباری، عقیم‌سازی اجباری و سایر اشکال خشونت جنسی، در صورت ارتکاب در چارچوب مخاصمه مسلحانه و با احراز شرایط قانونی، از مصادیق جنایات جنگی به شمار می‌روند. افزون بر این، اگر چنین اعمالی به صورت گسترده یا نظام‌مند علیه جمعیت غیرنظامی انجام شوند، ممکن است عنوان جنایت علیه بشریت نیز پیدا کنند.

از منظر جرم‌شناسی بین‌المللی، آثار این جرائم صرفاً متوجه قربانی مستقیم نیست؛ بلکه خانواده، جامعه محلی و حتی نسل‌های بعدی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین دلیل، حمایت از قربانیان، تضمین دسترسی آنان به عدالت، حفظ کرامت انسانی و جبران خسارت، از ارکان مهم عدالت کیفری بین‌المللی محسوب می‌شود.

۲-۸. استفاده از غیرنظامیان به عنوان سپر انسانی

یکی دیگر از مصادیق مهم جنایات جنگی، استفاده از غیرنظامیان برای مصون‌سازی اهداف نظامی از حمله است. این رفتار زمانی رخ می‌دهد که افراد غیرنظامی به صورت عمدی در کنار اهداف نظامی یا تأسیسات نظامی قرار داده شوند یا از حضور آنان برای بازداشتن طرف مقابل از حمله استفاده شود.

این اقدام با اصل تفکیک و اصل حمایت از غیرنظامیان در تعارض آشکار است؛ زیرا افراد غیرنظامی را به ابزار جنگ تبدیل می‌کند و آنان را در معرض خطر مستقیم قرار می‌دهد. ممنوعیت سپر انسانی، هم در حقوق معاهده‌ای و هم در حقوق بین‌الملل عرفی جایگاه تثبیت‌شده‌ای دارد و در رویه قضایی نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

البته وجود سپر انسانی، به خودی خود تعهد طرف مقابل به رعایت اصول تناسب و احتیاط را از بین نمی‌برد. حتی در چنین شرایطی نیز هر حمله باید با ارزیابی دقیق خطرات احتمالی برای غیرنظامیان انجام شود و استفاده از این تاکتیک، مجوزی برای نادیده گرفتن قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه نیست.

۲-۹. گروگان‌گیری غیرنظامیان

گروگان‌گیری از قدیمی‌ترین جرائم جنگی است که همچنان در بسیاری از مخاصمات معاصر مشاهده می‌شود. در این جرم، افراد غیرنظامی به منظور اعمال فشار بر دولت‌ها، نیروهای نظامی یا گروه‌های دیگر بازداشت می‌شوند تا آزادی آنان به انجام یا ترک یک اقدام خاص مشروط شود.

از منظر حقوق جزای بین‌الملل، گروگان‌گیری نقض هم‌زمان چندین حق بنیادین از جمله حق آزادی، امنیت شخصی و کرامت انسانی است. اگر این رفتار در بستر یک مخاصمه مسلحانه و با شرایط مقرر در حقوق بین‌الملل ارتکاب یابد، می‌تواند موجب مسئولیت کیفری فردی مرتکبان و آمران آن شود.

۲-۱۰. حمله به امدادگران و کارکنان بشردوستانه

کارکنان امدادی، پزشکان، پرستاران، نیروهای امداد و نجات و اعضای سازمان‌های بشردوستانه، نقش حیاتی در کاهش آثار انسانی جنگ دارند. از این‌رو، حقوق بین‌الملل بشردوستانه حمایت ویژه‌ای از آنان به عمل آورده است.

حمله عمدی به این اشخاص، تا زمانی که در فعالیت‌های بشردوستانه مشارکت دارند و حمایت خود را از دست نداده‌اند، از شدیدترین نقض‌های حقوق بشردوستانه محسوب می‌شود. چنین حملاتی نه تنها جان امدادگران را به خطر می‌اندازد، بلکه دسترسی مجروحان، بیماران و آوارگان به خدمات ضروری را نیز مختل می‌کند و بحران انسانی را تشدید می‌سازد.

۲-۱۱. تخریب میراث فرهنگی و اماکن مذهبی

در حقوق بین‌الملل معاصر، حمایت از میراث فرهنگی صرفاً به دلیل ارزش تاریخی یا هنری آن نیست، بلکه این آثار بخشی از هویت، حافظه جمعی و فرهنگ ملت‌ها به شمار می‌روند. تخریب عمدی بناهای تاریخی، اماکن مذهبی، موزه‌ها، کتابخانه‌ها و آثار فرهنگی، در شرایطی که فاقد استفاده نظامی باشند، می‌تواند جنایت جنگی محسوب شود.

رویه قضایی بین‌المللی نیز بر این نکته تأکید کرده است که حمله به میراث فرهنگی، در واقع حمله به هویت و تاریخ یک جامعه است و آثار آن فراتر از خسارت‌های مادی خواهد بود. از این منظر، حمایت از میراث فرهنگی بخشی از حمایت از کرامت انسانی و حق ملت‌ها بر حفظ هویت فرهنگی خود است.

۲-۱۲. مسئولیت کیفری فرماندهان نظامی

یکی از مهم‌ترین تحولات حقوق جزای بین‌الملل، توسعه مفهوم مسئولیت فرماندهی است. بر اساس این اصل، مسئولیت کیفری تنها متوجه شخصی نیست که مستقیماً مرتکب جرم شده، بلکه فرماندهان نظامی و در شرایطی مقامات غیرنظامی نیز ممکن است به دلیل قصور در پیشگیری یا مجازات جرائم ارتكابی توسط نیروهای تحت امر خود مسئول شناخته شوند.

برای تحقق مسئولیت فرماندهی، معمولاً احراز سه شرط اساسی ضروری است:

۱. وجود رابطه فرماندهی و کنترل مؤثر بر نیروهای تحت امر؛

۲. اطلاع یا امکان اطلاع معقول فرمانده از ارتكاب یا احتمال ارتكاب جرم؛

۳. خودداری از اتخاذ اقدامات لازم و معقول برای پیشگیری از جرم یا ارجاع موضوع به مراجع صالح.

این نظریه، گامی مهم در مبارزه با بی‌کیفرمانی است؛ زیرا مانع از آن می‌شود که مقامات عالی‌رتبه با استناد به عدم مشارکت مستقیم، از پاسخگویی کیفری مصون بمانند.

تحلیل تطبیقی

رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نشان می‌دهد که مسئولیت فرماندهی صرفاً یک مسئولیت اخلاقی یا اداری نیست، بلکه نوعی مسئولیت کیفری مستقل است که بر پایه تکلیف حقوقی به نظارت و کنترل مؤثر استوار است. با این حال، یکی از مباحث مورد اختلاف در دکتین، میزان علم لازم برای تحقق این مسئولیت است. برخی نویسندگان بر لزوم اثبات علم واقعی فرمانده تأکید دارند، در حالی که گروهی دیگر معیار «باید می‌دانست» (should have known) را برای احراز مسئولیت کافی می‌دانند؛ رویکردی که در اسناد و رویه‌های بین‌المللی نیز بازتاب یافته است.

همچنین، گسترش فناوری‌های نظامی و استفاده از سامانه‌های خودکار، پرسش‌های جدیدی درباره حدود مسئولیت فرماندهان ایجاد کرده است. اگر تصمیمات عملیاتی با اتکا به سامانه‌های هوش مصنوعی یا الگوریتم‌های هدف‌گیری اتخاذ شوند، تعیین مسئولیت کیفری میان طراحان، فرماندهان و کاربران این سامانه‌ها به یکی از چالش‌های مهم حقوق جزای بین‌الملل در دهه‌های آینده تبدیل خواهد شد. این موضوع، ضرورت بازنگری در قواعد سنتی مسئولیت کیفری و تدوین معیارهای متناسب با فناوری‌های نوین را برجسته می‌سازد.

جمع‌بندی این بخش

بررسی مصادیق جنایات جنگی علیه غیرنظامیان نشان می‌دهد که حقوق جزای بین‌الملل تنها به منع قتل یا جرح محدود نیست، بلکه طیف گسترده‌ای از رفتارهای ناقض کرامت انسانی را در بر می‌گیرد؛ از خشونت جنسی و گروگان‌گیری گرفته تا حمله به امدادگران، میراث فرهنگی و استفاده از سپر انسانی. ویژگی مشترک این جرائم، لطمه شدید به اشخاصی است که در مخاصمات مشارکت مستقیم ندارند و به همین دلیل، جامعه بین‌المللی برای آنها شدیدترین ضمانت اجرای کیفری را پیش‌بینی کرده است.

فصل سوم:

رویه محاکم کیفری بین‌المللی در حمایت از غیرنظامیان

۳-۱. نقش رویه قضایی در توسعه حقوق جزای بین‌الملل

حقوق جزای بین‌الملل، برخلاف بسیاری از شاخه‌های حقوق داخلی، عمدتاً محصول تعامل میان معاهدات، عرف بین‌المللی و رویه قضایی است. اگرچه اسناد بین‌المللی چارچوب‌های کلی را تعیین کرده‌اند، این دادگاه‌های کیفری بین‌المللی بوده‌اند که با تفسیر مفاهیم، تبیین عناصر جرائم و تعیین معیارهای مسئولیت کیفری، نقش تعیین‌کننده‌ای در تکامل این نظام حقوقی ایفا کرده‌اند.

آرای این محاکم، صرفاً به حل اختلافات محدود نبوده، بلکه به تدریج استانداردهایی را شکل داده‌اند که امروز در آموزش حقوق بین‌الملل، رویه دولت‌ها و حتی تدوین قوانین داخلی مورد استناد قرار می‌گیرند. برای مثال، مفاهیمی مانند «مشارکت مستقیم در مخاصمه»، «کنترل مؤثر»، «مسئولیت فرماندهی»، «حمله عمدی به غیرنظامیان» و «حملات نامتناسب» تا حد زیادی در پرتو رویه قضایی توسعه یافته‌اند.

۳-۲. دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق

تأسیس این دادگاه نقطه عطفی در احیای عدالت کیفری بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم بود. این دادگاه، در واکنش به نقض‌های گسترده حقوق بشردوستانه در جریان درگیری‌های بالکان، نقش مهمی در تبیین عناصر جنایات جنگی و توسعه مفاهیم حقوق جزای بین‌الملل ایفا کرد.

از مهم‌ترین دستاوردهای این دادگاه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تبیین معیارهای حمله عمدی به جمعیت غیرنظامی؛
- توسعه مفهوم مسئولیت فرماندهی؛
- شناسایی خشونت جنسی به‌عنوان جنایت جنگی و در شرایط خاص، جنایت علیه بشریت؛
- تفسیر اصل تفکیک و اصل تناسب؛
- بررسی مسئولیت کیفری مقامات عالی‌رتبه و فرماندهان نظامی.

در آرای این دادگاه تأکید شد که مشروعیت یک هدف نظامی، هرگز مجوز حملات بی‌ضابطه یا بی‌توجهی به تلفات غیرنظامیان نیست. این رویکرد، جایگاه اصول احتیاط و تناسب را در حقوق بین‌الملل بشردوستانه تقویت کرد.

۳-۳. دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا

اگرچه این دادگاه بیشتر به رسیدگی به جرم نسل‌کشی شهرت دارد، اما آرای آن تأثیر عمیقی بر توسعه حقوق جزای بین‌الملل گذاشت. این دادگاه نشان داد که خشونت جنسی، تجاوز و سایر اشکال آزار جنسی می‌توانند در شرایط خاص، نه‌تنها جنایت جنگی، بلکه بخشی از سیاست نابودی یک گروه انسانی باشند.

یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های این دادگاه، توجه به آثار اجتماعی و روانی جرائم علیه غیرنظامیان بود. دادگاه تأکید کرد که پیامدهای این جرائم به قربانی مستقیم محدود نمی‌شود و می‌تواند ساختار خانواده، انسجام اجتماعی و حتی آینده یک ملت را تحت تأثیر قرار دهد.

این رویکرد، نگاه حقوق جزای بین‌الملل را از تمرکز صرف بر خسارات فیزیکی، به سوی درک گسترده‌تر از مفهوم آسیب انسانی سوق داد.

۳-۴. دیوان کیفری بین‌المللی و تحول عدالت کیفری جهانی

تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی، نقطه عطفی در نهادینه‌سازی پاسخگویی کیفری در سطح جهانی بود. برخلاف دادگاه‌های اختصاصی که برای رسیدگی به وضعیت‌های خاص ایجاد می‌شدند، این دیوان به‌عنوان یک نهاد دائمی، صلاحیت رسیدگی به چهار دسته از شدیدترین جرائم بین‌المللی را داراست.

در حوزه جنایات جنگی علیه غیرنظامیان، عملکرد دیوان را می‌توان در چند محور تحلیل کرد:

الف) تثبیت اصل پاسخگویی فردی

دیوان تأکید کرده است که مسئولیت کیفری بین‌المللی متوجه اشخاص حقیقی است و مقام رسمی، مصونیتی در برابر تعقیب ایجاد نمی‌کند. این اصل، یکی از مهم‌ترین ابزارهای مقابله با بی‌کیفرمانی در سطح بین‌المللی است.

ب) حمایت از قربانیان

یکی از نوآوری‌های دیوان، توجه ویژه به جایگاه قربانیان است. آنان می‌توانند در فرایند دادرسی، در حدود مقرر، مشارکت داشته باشند و در صورت تحقق شرایط قانونی، از سازوکارهای جبران خسارت بهره‌مند شوند. این رویکرد، عدالت کیفری را از تمرکز صرف بر مجازات مرتکب، به سمت توجه بیشتر به حقوق و منافع قربانیان سوق داده است.

ج) توسعه ادله دیجیتال

در سال‌های اخیر، دیوان استفاده از تصاویر ماهواره‌ای، فیلم‌های تلفن همراه، داده‌های مکانی، تصاویر پهپادی و سایر ادله دیجیتال را در فرایند اثبات گسترش داده است. البته پذیرش این ادله منوط به احراز اصالت، قابلیت اعتماد و رعایت استانداردهای دادرسی منصفانه است.

۳-۵. تحلیل تطبیقی رویه دادگاه‌ها

مقایسه رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نشان می‌دهد که همه آنها بر چند اصل مشترک تأکید دارند:

۱. غیرنظامیان نباید هدف مستقیم حمله قرار گیرند.

۲. رعایت اصل تناسب الزامی است.

۳. فرماندهان در قبال اقدامات نیروهای تحت امر خود، در حدود شرایط مقرر، مسئولیت کیفری دارند.

۴. خشونت جنسی یکی از شدیدترین جرائم بین‌المللی است.

۵. بی‌کیفرمانی، تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود.

با این حال، تفاوت‌هایی نیز میان این محاکم وجود دارد. دادگاه‌های اختصاصی بیشتر بر رسیدگی به وضعیت‌های مشخص متمرکز بودند، در حالی که دیوان کیفری بین‌المللی تلاش کرده است قواعدی با قابلیت اعمال عام‌تر ارائه کند. همچنین، رویه دیوان در زمینه مشارکت قربانیان و جبران خسارت، نسبت به دادگاه‌های پیشین توسعه بیشتری یافته است.

۳-۶. نقد عملکرد نظام عدالت کیفری بین‌المللی

با وجود دستاوردهای قابل توجه، نظام عدالت کیفری بین‌المللی با انتقادهای جدی مواجه است:

الف) گزینشی بودن عدالت

یکی از مهم‌ترین انتقادهای برداشت از اعمال گزینشی عدالت است. برخی معتقدند که امکان رسیدگی به همه وضعیت‌ها به‌طور یکسان وجود نداشته و عوامل سیاسی، از جمله همکاری دولت‌ها و سازوکارهای ارجاع، بر دامنه رسیدگی‌ها تأثیر می‌گذارند. این امر می‌تواند بر ادراک عمومی از بی‌طرفی نظام عدالت کیفری بین‌المللی اثر بگذارد.

(ب) طولانی بودن دادرسی

رسیدگی به پرونده‌های جنایات جنگی، به دلیل گستردگی وقایع، دشواری جمع‌آوری ادله و لزوم رعایت تضمین‌های دادرسی منصفانه، معمولاً سال‌ها به طول می‌انجامد. این امر می‌تواند بر حقوق قربانیان و کارآمدی عدالت تأثیر منفی بگذارد.

(ج) دشواری اجرای احکام

دادگاه‌های بین‌المللی فاقد نیروی اجرایی مستقل هستند و اجرای بسیاری از تصمیمات آنها به همکاری دولت‌ها وابسته است. در مواردی که همکاری کافی وجود نداشته باشد، تعقیب یا اجرای احکام با موانع جدی روبه‌رو می‌شود.

(د) چالش‌های ناشی از فناوری‌های نوین

استفاده از سامانه‌های تسلیحاتی خودکار، عملیات سایبری و هوش مصنوعی، پرسش‌های تازه‌ای درباره انتساب مسئولیت کیفری ایجاد کرده است. چارچوب‌های موجود تا حدی قابلیت پاسخ‌گویی دارند، اما برای مواجهه با برخی فناوری‌های نوظهور، احتمال نیاز به تبیین‌های تفسیری و حتی توسعه قواعد حقوقی وجود دارد.

نوآوری پژوهش

به باور نگارنده، یکی از خلأهای مهم حقوق جزای بین‌الملل آن است که قواعد موجود عمدتاً بر مبنای جنگ‌های متعارف قرن بیستم طراحی شده‌اند، در حالی که مخاصمات امروز با ویژگی‌هایی همچون جنگ‌های شهری، عملیات چنددامنه‌ای، استفاده از پهپادها، سامانه‌های هوشمند، حملات سایبری و بازیگران غیردولتی شناخته می‌شوند. بنابراین، توسعه حقوق جزای بین‌الملل باید به‌گونه‌ای باشد که ضمن حفظ اصول بنیادین حقوق بشردوستانه، بتواند به این واقعیت‌های جدید نیز پاسخ دهد؛ بی‌آنکه اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها یا تضمین‌های دادرسی منصفانه تضعیف شود.

فصل چهارم:

مطالعات موردی معاصر و چالش‌های حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه

۴-۱. مقدمه

مطالعه موردی، یکی از مهم‌ترین روش‌های ارزیابی کارآمدی قواعد حقوق جزای بین‌الملل است. اگرچه معاهدات بین‌المللی چارچوب‌های هنجاری نسبتاً روشنی برای حمایت از غیرنظامیان ترسیم کرده‌اند، اما میزان رعایت این قواعد در مخاصمات معاصر متفاوت بوده و اجرای آنها با موانع عملی، حقوقی و سیاسی روبه‌رو شده است.

تحلیل وضعیت‌های معاصر نشان می‌دهد که چالش‌های مشترکی مانند جنگ شهری، حضور گروه‌های مسلح غیردولتی، تخریب زیرساخت‌های حیاتی، آوارگی گسترده و دشواری دسترسی به کمک‌های بشردوستانه، آزمون جدی برای اجرای قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه ایجاد کرده‌اند.

۲-۴. مطالعه موردی نخست: مخاصمه اوکراین

در مخاصمه اوکراین، گزارش‌های متعدد نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های مستقل، نگرانی‌هایی را درباره آثار انسانی جنگ، از جمله تلفات غیرنظامیان، آسیب به زیرساخت‌های شهری، آوارگی گسترده و اختلال در ارائه خدمات اساسی مطرح کرده‌اند.

از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مهم‌ترین پرسش‌ها عبارت‌اند از:

• آیا اصل تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی رعایت شده است؟

• آیا حملات با اصل تناسب سازگار بوده‌اند؟

• آیا همه طرف‌های درگیر اقدامات احتیاطی لازم برای کاهش خسارات غیرنظامیان را انجام داده‌اند؟

• آیا حملات احتمالی به تأسیسات غیرنظامی یا زیرساخت‌های حیاتی، با الزامات حقوقی قابل جمع بوده است؟

پاسخ قطعی به این پرسش‌ها مستلزم بررسی قضایی، ارزیابی ادله و احراز عناصر قانونی هر رفتار است. با این حال، این وضعیت اهمیت مستندسازی مستقل، حفظ ادله و همکاری با سازوکارهای تحقیق بین‌المللی را برجسته کرده است.

۳-۴. مطالعه موردی دوم: غزه

یکی از پیچیده‌ترین نمونه‌های معاصر از منظر حقوق بشردوستانه، مخاصمه در غزه است. تراکم بالای جمعیت، جنگ شهری، حضور بازیگران متعدد، تخریب زیرساخت‌ها و محدودیت‌های دسترسی بشردوستانه، اجرای قواعد حقوق بین‌الملل را با دشواری‌های فراوان مواجه کرده است.

در این وضعیت، مسائل حقوقی متعددی مطرح می‌شود، از جمله:

• رعایت اصل تفکیک؛

• ارزیابی تناسب حملات؛

• حمایت از مراکز درمانی و آموزشی؛

• حفاظت از امدادگران و کارکنان بشردوستانه؛

• دسترسی جمعیت غیرنظامی به آب، غذا، دارو و خدمات درمانی؛

• بررسی ادعاهای مربوط به نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط طرف‌های درگیر.

از منظر حقوق جزای بین‌الملل، هرگونه ادعای ارتکاب جنایات جنگی باید بر پایه تحقیقات مستقل، جمع‌آوری ادله، رعایت اصل برائت و رسیدگی توسط مرجع صالح ارزیابی شود. این اصل، تضمین‌کننده بی‌طرفی و اعتبار نظام عدالت کیفری بین‌المللی است.

۴-۴. مطالعه موردی سوم: سودان

درگیری‌های داخلی سودان، نمونه‌ای از مخاصمات پیچیده‌ای است که آثار گسترده‌ای بر جمعیت غیرنظامی برجای گذاشته است. آوارگی داخلی، مهاجرت فرامرزی، آسیب به مراکز درمانی، اختلال در خدمات عمومی و محدودیت فعالیت سازمان‌های امدادی، از مهم‌ترین پیامدهای انسانی این بحران بوده‌اند.

این وضعیت نشان می‌دهد که حمایت از غیرنظامیان تنها به ممنوعیت حملات مستقیم محدود نیست، بلکه حفظ زیرساخت‌های ضروری برای بقا و امکان دسترسی به کمک‌های بشردوستانه نیز بخشی از تعهدات طرف‌های مخاصمه محسوب می‌شود.

۴-۵. مطالعه موردی چهارم: سوریه

مخاصمه سوریه یکی از طولانی‌ترین و پیچیده‌ترین بحران‌های معاصر است. تعدد بازیگران، تغییر مکرر خطوط درگیری، حضور نیروهای دولتی، گروه‌های مسلح غیردولتی و مداخلات خارجی، ارزیابی حقوقی رویدادها را دشوار کرده است.

با این حال، تجربه سوریه چند نکته مهم را آشکار ساخته است:

نخست، جنگ‌های طولانی مدت آثار عمیقی بر سلامت، آموزش، اقتصاد و ساختار اجتماعی بر جای می‌گذارند که فراتر از خسارات مستقیم نظامی است.

دوم، مستندسازی نقض‌های احتمالی حقوق بشردوستانه در شرایط جنگی، نیازمند همکاری نهادهای بین‌المللی، فناوری‌های نوین و سازوکارهای حفظ ادله است.

سوم، بازسازی اعتماد عمومی و تحقق عدالت انتقالی پس از پایان مخاصمه، به اندازه پاسخگویی کیفری اهمیت دارد.

۴-۶. مطالعه موردی پنجم: یمن

بحران یمن نیز نمونه‌ای از تأثیرات عمیق مخاصمات بر جمعیت غیر نظامی است. کمبود خدمات درمانی، ناامنی غذایی، آوارگی و آسیب به زیرساخت‌های اساسی، وضعیت انسانی دشواری را ایجاد کرده است.

از منظر حقوق بین‌الملل، این وضعیت بار دیگر نشان می‌دهد که رعایت قواعد مربوط به حمایت از غیرنظامیان، تسهیل دسترسی به کمک‌های بشردوستانه و حفاظت از تاسیسات غیر نظامی، صرف‌نظر از ماهیت یا اهداف طرف‌های درگیر، یک تعهد حقوقی عام است.

۴-۷. تحلیل تطبیقی مطالعات موردی

بررسی این وضعیت‌ها نشان می‌دهد که اگرچه زمینه‌های سیاسی، جغرافیایی و نظامی هر مخاصمه متفاوت است، اما چالش‌های مشترکی وجود دارد:

- افزایش جنگ‌های شهری؛
- دشواری تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی؛
- حضور بازیگران غیردولتی؛
- وابستگی جمعیت غیرنظامی به زیرساخت‌های حیاتی؛
- اهمیت روزافزون فناوری‌های مستندسازی؛
- ضرورت همکاری دولت‌ها با سازوکارهای بین‌المللی.

این عوامل بیانگر آن است که توسعه قواعد حقوق جزای بین‌الملل باید همگام با تحولات ماهیت مخاصمات پیش رود و در عین حال، اصول بنیادین حقوق بشردوستانه مانند تفکیک، تناسب، احتیاط و حمایت از غیرنظامیان را حفظ کند.

فصل پنجم:

آسیب‌شناسی نظام حقوق جزای بین‌الملل در حمایت از غیرنظامیان

۵-۱. مقدمه

با وجود توسعه چشمگیر حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق جزای بین‌الملل، واقعیت‌های میدانی مخاصمات معاصر نشان می‌دهد که فاصله قابل توجهی میان «هنجارهای حقوقی» و «اجرای عملی» آنها وجود دارد. تصویب معاهدات متعدد، ایجاد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و گسترش قواعد عرفی، اگرچه گام‌های مهمی در جهت حمایت از غیرنظامیان بوده‌اند، اما نتوانسته‌اند به‌طور کامل از وقوع نقض‌های جدی جلوگیری کنند.

این وضعیت نشان می‌دهد که چالش اصلی، کمبود قواعد حقوقی نیست، بلکه ضعف در اجرای مؤثر، پاسخگویی، همکاری بین‌المللی و سازوکارهای پیشگیرانه است.

۵-۲. سیاسی شدن عدالت کیفری بین‌المللی

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های نظام عدالت کیفری بین‌المللی، تأثیرپذیری آن از ملاحظات سیاسی است.

در عمل، آغاز یا پیشبرد برخی فرایندهای کیفری ممکن است به همکاری دولت‌ها، سازوکارهای ارجاع یا شرایط سیاسی بین‌المللی وابسته باشد. این امر می‌تواند بر برداشت عمومی از بی‌طرفی و یکنواختی اجرای عدالت اثر بگذارد و اعتماد به نهادهای بین‌المللی را کاهش دهد.

از منظر حقوقی، اصل برابری در برابر قانون اقتضا می‌کند که معیارهای رسیدگی و پاسخگویی بدون تبعیض و صرف‌نظر از جایگاه سیاسی یا نظامی افراد و دولت‌ها اعمال شود. تقویت استقلال نهادهای قضایی و افزایش شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند در کاهش این نگرانی‌ها مؤثر باشد.

۳-۵. محدودیت‌های صلاحیت و همکاری دولت‌ها

یکی از ویژگی‌های عدالت کیفری بین‌المللی، وابستگی آن به همکاری دولت‌ها در زمینه‌هایی مانند دستگیری متهمان، جمع‌آوری ادله، انتقال اسناد و اجرای احکام است. در مواردی که همکاری کافی وجود نداشته باشد، پیشبرد تحقیقات و اجرای تصمیمات با دشواری روبه‌رو می‌شود.

افزون بر این، تفاوت نظام‌های حقوقی داخلی، ملاحظات حاکمیتی و محدودیت‌های صلاحیتی، گاه موجب ایجاد خلأهایی در پاسخگویی کیفری می‌شود. این چالش نشان می‌دهد که موفقیت عدالت کیفری بین‌المللی، تنها به کیفیت قواعد حقوقی وابسته نیست، بلکه نیازمند اراده و همکاری مؤثر دولت‌ها نیز هست.

۴-۵. دشواری جمع‌آوری و ارزیابی ادله

جنايات جنگی معمولاً در شرایطی رخ می‌دهند که دسترسی به محل وقوع، حفظ صحنه جرم و حمایت از شهود با موانع جدی مواجه است. تخریب اسناد، جابه‌جایی جمعیت، ناامنی و گذشت زمان، فرایند اثبات را پیچیده می‌کند.

در سال‌های اخیر، استفاده از تصاویر ماهواره‌ای، داده‌های متن‌باز، تصاویر ثبت‌شده توسط شهروندان و سایر ادله دیجیتال، ظرفیت‌های جدیدی برای مستندسازی ایجاد کرده است. با این حال، اصالت، زنجیره نگهداری و قابلیت اعتماد این ادله باید با دقت بررسی شود تا حقوق متهمان و اصل دادرسی منصفانه حفظ گردد.

۵-۵. چالش‌های ناشی از فناوری‌های نوین

تحولات فناوری، از جمله توسعه سامانه‌های خودکار، هوش مصنوعی، پهپادها و عملیات سایبری، پرسش‌های جدیدی را درباره انتساب مسئولیت کیفری مطرح کرده است. در مواردی که تصمیمات عملیاتی با اتکا به سامانه‌های هوشمند اتخاذ می‌شود، تعیین نقش و مسئولیت فرماندهان، طراحان و کاربران این سامانه‌ها نیازمند تحلیل حقوقی دقیق است.

به نظر می‌رسد چارچوب‌های موجود در بسیاری از موارد قابلیت اعمال دارند، اما برای پاسخ به برخی وضعیت‌های نوظهور، توسعه تفاسیر حقوقی و در صورت لزوم، تدوین قواعد تکمیلی ضروری خواهد بود.

۶-۵. حمایت ناکافی از قربانیان

یکی از انتقادهای وارد بر نظام عدالت کیفری بین‌المللی، فاصله میان رسیدگی کیفری و نیازهای واقعی قربانیان است. بسیاری از قربانیان علاوه بر عدالت کیفری، به حمایت‌های روان‌شناختی، درمانی، اجتماعی و اقتصادی نیاز دارند.

از این رو، عدالت کیفری باید با رویکردی جامع‌تر، سازوکارهای جبران خسارت، بازتوانی و مشارکت معنادار قربانیان را تقویت کند تا آثار بلندمدت مخاصمات بر افراد و جوامع کاهش یابد.

۵-۷. راهکارهای پیشنهادی

بر اساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهادهای زیر برای تقویت نظام حقوق جزای بین‌الملل ارائه می‌شود:

۱. تقویت همکاری قضایی بین دولت‌ها از طریق توسعه معاهدات استرداد، معاضدت قضایی و تبادل اطلاعات.
۲. افزایش ظرفیت نهادهای تحقیق مستقل برای مستندسازی حرفه‌ای و حفظ ادله، به‌ویژه در مراحل اولیه مخاصمات.
۳. توسعه آموزش حقوق بین‌الملل بشردوستانه برای نیروهای مسلح، فرماندهان، مقامات اجرایی و گروه‌های درگیر، به‌منظور پیشگیری از نقض‌ها.
۴. بهره‌گیری مسئولانه از فناوری‌های نوین مانند تصاویر ماهواره‌ای، تحلیل داده‌های باز و ابزارهای راستی‌آزمایی دیجیتال، با رعایت استانداردهای اثبات و حقوق بنیادین.
۵. تقویت سازوکارهای جبران خسارت و حمایت از قربانیان از طریق صندوق‌های حمایتی، خدمات درمانی، روان‌شناختی و برنامه‌های بازتوانی.
۶. گسترش پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در حوزه حقوق، فناوری، علوم داده و اخلاق، به‌منظور پاسخ به چالش‌های ناشی از تحول ماهیت مخاصمات.
۷. تقویت نقش دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در تولید دانش، آموزش تخصصی و ارائه راهکارهای مبتنی بر شواهد برای ارتقای اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه.

نوآوری پژوهش

نوآوری اصلی این پژوهش در آن است که حمایت از غیرنظامیان را صرفاً از منظر قواعد سنتی حقوق بشردوستانه بررسی نمی‌کند، بلکه با تلفیق حقوق جزای بین‌الملل، رویه قضایی، جرم‌شناسی، مطالعات فناوری و سیاست‌گذاری عمومی، تصویری جامع از چالش‌های معاصر ارائه می‌دهد.

پژوهش حاضر همچنین مفهوم «عدالت کیفری پیشگیرانه» را به‌عنوان مکمل عدالت کیفری پسینی مطرح می‌کند. مقصود از این مفهوم، تقویت سازوکارهای هشدار زود هنگام، آموزش، مستندسازی، همکاری بین‌المللی و بهره‌گیری مسئولانه از فناوری برای کاهش احتمال وقوع نقض‌های جدی است؛ رویکردی که می‌تواند در کنار پاسخگویی کیفری، به حمایت مؤثرتر از غیرنظامیان کمک کند.

نتیجه‌گیری:

حقوق جزای بین‌الملل، حاصل تحول تدریجی اندیشه حقوقی جامعه بین‌المللی در مقابله با شدیدترین نقض‌های حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. تجربه دو جنگ جهانی، تشکیل دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو، تأسیس دادگاه‌های کیفری اختصاصی و در نهایت ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی، بیانگر آن است که جامعه جهانی به این جمع‌بندی رسیده است که ارتکاب جنایات جنگی نباید بدون پاسخ بماند و مرتکبان آنها، صرف‌نظر از جایگاه سیاسی یا نظامی، باید در برابر قانون پاسخگو باشند.

پژوهش حاضر با بررسی مبانی نظری، اسناد بین‌المللی، رویه محاکم کیفری و مطالعات موردی معاصر نشان داد که حمایت از غیرنظامیان نه یک اصل اخلاقی صرف، بلکه یک تعهد الزام‌آور حقوقی است که بر تمامی طرف‌های مخاصمه حاکم است. اصول تفکیک، تناسب، احتیاط، منع حملات کورکورانه و حمایت ویژه از گروه‌های آسیب‌پذیر، ستون‌های اصلی این نظام حمایتی را تشکیل می‌دهند و نقض شدید آنها می‌تواند موجب مسئولیت کیفری فردی شود.

تحلیل اسناد و رویه‌های قضایی نشان داد که مفهوم جنایات جنگی علیه غیرنظامیان طی دهه‌های اخیر توسعه یافته و امروز دامنه آن از قتل و جرح فراتر رفته و رفتارهایی مانند خشونت جنسی، انتقال اجباری، گروگان‌گیری، حمله به بیمارستان‌ها، مدارس، امدادگران، میراث فرهنگی و ایجاد قحطی را نیز در بر می‌گیرد. این تحول نشان‌دهنده تغییر نگرش جامعه بین‌المللی از حمایت محدود به حمایت جامع از کرامت انسانی در زمان مخاصمات است.

از سوی دیگر، بررسی عملکرد دادگاه‌های بین‌المللی نشان داد که رویه قضایی نقش مهمی در تفسیر قواعد، تبیین عناصر جرائم و توسعه مسئولیت کیفری فرماندهان ایفا کرده است. با این حال، استمرار برخی چالش‌ها، از جمله دشواری دسترسی به ادله، طولانی بودن دادرسی، وابستگی به همکاری دولت‌ها، محدودیت‌های صلاحیتی و تأثیر عوامل سیاسی، نشان می‌دهد که فاصله میان هنجارهای حقوقی و اجرای مؤثر آنها همچنان قابل توجه است.

مطالعات موردی نیز نشان داد که ویژگی‌های جنگ‌های معاصر، از جمله جنگ‌های شهری، حضور بازیگران غیردولتی، وابستگی شدید غیرنظامیان به زیرساخت‌های حیاتی و گسترش فناوری‌های نوین، اجرای قواعد حقوق بشردوستانه را با پیچیدگی‌های تازه‌ای روبه‌رو کرده است. این وضعیت ضرورت بازخوانی و توسعه تفسیری برخی قواعد حقوق جزای بین‌الملل را، با حفظ اصول بنیادین همچون قانونی بودن جرائم و دادرسی منصفانه، برجسته می‌سازد.

دستاوردهای علمی پژوهش

مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

نخست، حقوق جزای بین‌الملل از مرحله جرم‌انگاری صرف عبور کرده و به سمت ایجاد نظامی جامع برای پاسخگویی، حمایت از قربانیان و پیشگیری از نقض‌های جدی حرکت کرده است.

دوم، حمایت از غیرنظامیان صرفاً وظیفه دولت‌ها نیست، بلکه بر همه طرف‌های مخاصمه، اعم از دولت‌ها و بازیگران غیردولتی، در حدود قواعد قابل اعمال، الزام‌آور است.

سوم، مسئولیت فرماندهی یکی از موثرترین ابزارهای مقابله با بی‌کیفرمانی است و می‌تواند پاسخگویی مقامات عالی‌رتبه را تقویت کند.

چهارم، فناوری‌های نوین در عین ایجاد چالش‌های تازه، فرصت‌های مهمی برای مستندسازی، حفظ ادله و ارتقای پاسخگویی فراهم کرده‌اند.

پنجم، اجرای مؤثر حقوق جزای بین‌الملل مستلزم همکاری دولت‌ها، استقلال نهادهای قضایی، آموزش حقوق بشردوستانه و توسعه ظرفیت‌های فنی و نهادی است.

پیشنهادهای پژوهشی

برای توسعه مطالعات آینده، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران موضوعات زیر را مورد بررسی قرار دهند:

۱. مسئولیت کیفری ناشی از استفاده از سامانه‌های تسلیحاتی خودکار و هوش مصنوعی.
۲. نقش ادله دیجیتال، تصاویر ماهواره‌ای و داده‌های متن‌باز در اثبات جنایات جنگی.
۳. چالش‌های صلاحیت جهانی در تعقیب مرتکبان جنایات بین‌المللی.
۴. نسبت میان حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر در جنگ‌های سایبری.
۵. سازوکارهای جبران خسارت قربانیان در نظام عدالت کیفری بین‌المللی.
۶. تحلیل تطبیقی عملکرد محاکم بین‌المللی و دادگاه‌های داخلی در رسیدگی به جنایات جنگی.

پیشنهادهای تقنینی و اجرایی

بر پایه یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود:

- دولت‌ها قوانین داخلی خود را با استانداردهای حقوق جزای بین‌الملل هماهنگ‌تر سازند.
- آموزش مستمر حقوق بین‌الملل بشردوستانه برای نیروهای مسلح و مقامات مرتبط تقویت شود.
- سازوکارهای ملی و بین‌المللی برای حفظ و راستی‌آزمایی ادله دیجیتال توسعه یابد.
- همکاری قضایی میان دولت‌ها در زمینه استرداد، معاضدت قضایی و اجرای احکام گسترش یابد.
- برنامه‌های جامع حمایت، بازتوانی و جبران خسارت برای قربانیان مخاصمات تقویت شود.

منابع :

الف) منابع فارسی:

۱. اردبیلی، محمدعلی. حقوق جزای عمومی. تهران: میزان. ۱۳۹۰
۲. بیگزاده، ابراهیم. حقوق بین الملل عمومی. تهران: گنج دانش. ۱۳۹۲
۳. ضیایی بیگدلی، محمدرضا. حقوق بین الملل عمومی. تهران: گنج دانش. ۱۳۹۰
۴. ممتاز، جمشید. مقالات حقوق بین الملل بشردوستانه. ۱۳۹۰
۵. هاشمی، سید قاسم. حقوق بشر و حقوق بشردوستانه. ۱۳۹۵

ب) منابع انگلیسی:

- Antonio Cassese, International Criminal Law.
- William A. Schabas, An Introduction to the International Criminal Court.
- Yoram Dinstein, The Conduct of Hostilities under the Law of International Armed Conflict.
- Marco Sassòli, International Humanitarian Law.
- Robert Cryer et al., An Introduction to International Criminal Law and Procedure.
- Gerhard Werle & Florian Jessberger, Principles of International Criminal Law.

ج) اسناد بین المللی:

- کنوانسیون های ژنو ۱۹۴۹
- پروتکل های الحاقی ۱۹۷۷
- اساسنامه رم دیوان کیفری بین المللی
- کنوانسیون لاهه ۱۹۵۴ درباره حمایت از اموال فرهنگی

• اساسنامه دادگاه نورنبرگ

• اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق

• اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا

• قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه

War Crimes against Civilians: A Study of the Foundations of International Criminal Law

Abstract:

The protection of civilians constitutes one of the fundamental principles of International Humanitarian Law and International Criminal Law. Contemporary armed conflicts demonstrate that civilians are the primary victims of warfare. Direct attacks against civilian populations, hospitals, schools, humanitarian facilities, forced displacement, starvation, torture, sexual violence, and the use of human shields are recognized as serious war crimes under international law.

This article employs a descriptive-analytical methodology to examine the legal foundations of civilian protection under international criminal law. It analyzes international treaties, judicial precedents, and decisions of international criminal tribunals concerning individual criminal responsibility for war crimes.

The findings indicate that although the development of international humanitarian law and the establishment of the International Criminal Court have significantly strengthened accountability mechanisms, numerous legal and political challenges continue to impede effective prosecution. These include political interference, jurisdictional limitations, lack of state cooperation, and selective enforcement of international criminal justice. The article concludes by proposing legal reforms aimed at strengthening accountability mechanisms and enhancing the protection of civilians in armed conflicts.

Keywords: International Criminal Law, War Crimes, Civilians, International Humanitarian Law, Individual Criminal Responsibility, International Criminal Court.